

شبههٔ شرکت حسنین علیهما السلام در جنگ اعراب و ایران

حجت الاسلام والمسلمین مصطفی محسنی*

اشاره

امروزه یکی از شبهاتی که در فضای مجازی به گستردگی طرح می‌شود، بحث فتح ایران به دست مسلمانان است. هدف اسلام‌ستیزان از دامن زدن به این شبهات، این است که چهرهٔ اسلام را خشن جلوه دهند. یکی از این شبهات، حضور امام حسن و امام حسین علیهما السلام در این فتوحات است. شبهه‌افکنان با استناد به گزارش‌های مجعول و گاهی مغرضانه بر آنند که با اثبات حضور این بزرگواران در آن جنگ‌ها از قداست آنان در جامعهٔ ایرانی و مخصوصاً جوانان بکاهند. اگر هیچ دلیلی بر رد این گزارش‌ها نداشته باشیم، عدم حضور حضرت علی علیه السلام در این جنگ‌ها می‌تواند دلیل محکمی بر جعلی بودن حضور حسنین علیهما السلام باشد. علی علیه السلام در تمام جنگ‌های زمان پیامبر صلی الله علیه و آله حضور فعال داشت؛ اما در فتوحات شرکت نکرد.^۱ تنها به خلفا مشاوره می‌داد که این مشاوره نیز برای مصلحت اسلام و مسلمانان بود. با عدم حضور حضرت علی علیه السلام به راحتی می‌توان

* مدرس حوزه و دانشگاه.

۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۳۱۰.

دریافت که فرزندان ایشان نیز در این فتوحات حضور نداشته‌اند. در این نوشتار، به نقد و بررسی چند گزارش مجعول درباره حضور حسنین علیهما السلام در فتوحات یادشده پرداخته می‌شود.

منابع شیعی

منابع اولیه شیعی اعم از جوامع حدیثی و آثار تاریخی، اشاره‌ای به نقش و حضور امام حسن و امام حسین علیهما السلام در فتوحات ندارند. با توجه به اهمیت موضوع و حساسیت منابع شیعی در ثبت و ضبط فعالیت‌های اجتماعی ائمه معصوم علیهم‌السلام، چگونه می‌توان تصور کرد که این دو امام چنین سفر مهمی انجام داده باشند، اما منابع شیعی هیچ اشاره‌ای به آن نکرده باشند. منابعی که گاهی مطالب و حوادث بسیار کوچک‌تر از این موضوع را درباره این دو امام معصوم، ثبت کرده‌اند، نمی‌توانند نسبت به این موضوع، چنین غفلت کرده باشند. یکی از مورخان محلی طبرستان به نام اولیاءالله آملی در کتاب تاریخ رویان، همین دلیل را برای اثبات عدم حضور آنان در جنگ‌های یادشده ذکر کرده است.^۱ علامه سیدجعفر مرتضی پژوهشگر برجسته معاصر نیز که این گزارش‌ها را فاقد اعتبار دانسته، معتقد است این گزارش‌ها مبنای استوار تاریخی ندارد.^۲

در نیمه دوم قرن سوم، سادات حسنی به طبرستان رفتند و در آن‌جا حکومت علویان طبرستان را تشکیل دادند. حسن بن زید از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام و پس از وی محمد بن زید، مدت‌ها در شمال ایران حکومت کردند. با توجه به این‌که این دو برادر از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام بودند، جا داشت اشاره‌ای به حضور جدشان در این منطقه می‌کردند، و حال آن‌که آن‌ها کوچک‌ترین

۱. اولیاءالله آملی، تاریخ رویان، ص ۴۵.

۲. جعفر مرتضی عاملی، تحلیلی از زندگانی سیاسی امام حسن مجتبی علیه السلام، ص ۱۷۰.

اشاره‌ای به این حضور نداشته‌اند.

منابع اهل سنت

در منابع اهل سنت نیز گزارش صحیحی دربارهٔ این حضور دیده نمی‌شود. البته طبری، بلاذری، مقدسی و ابن فقیه گزارش‌هایی در این باره دارند که گزارش‌های آن‌ها علاوه بر ضد و نقیض بودن، از نظر سند نیز مخدوش است. طبری در وقایع سال سی‌ام دربارهٔ فتح طبرستان، دو گزارش را با یک سند و با چند سطر فاصله نقل می‌کند. در گزارش اول به حضور حسین علیه السلام و افراد دیگر در فتح طبرستان اشاره دارد و در گزارش دوم، به‌رغم ذکر افراد دیگر، نامی از امام حسن و امام حسین علیه السلام نمی‌برد.

گزارش اول:

حدثني عمر بن شبه، قال: حدثني علي بن محمد، عن علي بن مجاهد، عن حنش بن مالك، قال: غزا سعيد بن العاص من الكوفة سنة ثلاثين يربد خراسان، و معه حذيفة بن اليمان و ناس من اصحاب رسول الله صلى الله عليه و آله، و معه الحسن و الحسين و عبدالله بن عباس و عبدالله ابن عمر و عبدالله بن عمرو بن العاص و عبدالله بن الزبير؛ عمر بن شبه براييم نقل کرد از علي بن محمد از علي بن مجاهد از حنش بن مالك كه: سعيد بن عاص به سال سي ام، از كوفه به منظور جنگ راهي خراسان شد. حذيفة بن يمان و كساني از ياران پيغمبر خدا صلى الله عليه و آله با وي بودند. حسن و حسين و عبدالله بن عباس و عبدالله بن عمر و عبدالله بن عمرو

بن عاص و عبدالله بن زبیر نیز با وی بودند.^۱

گزارش دوم:

حدثنی عمر بن شبه، قال: حدثنا علی بن محمد، قال: أخبرني علی بن مجاهد، عن حنش بن مالک التغلبي، قال: غزا سعيد سنة ثلاثين، فأتى جرجان و طبرستان، معه عبدالله بن العباس و عبدالله بن عمر و ابن الزبير و عبدالله بن عمرو بن العاص: عمر بن شبه برایم نقل کرد از علی بن محمد از علی بن مجاهد از حنش بن مالک که: سعید به سال سی ام، به قصد جنگ و به گرگان و طبرستان رفت. عبدالله بن عباس و عبدالله بن عمرو ابن زبیر و عبدالله بن عمرو بن عاص با وی بودند.^۲

برخی تصور کرده‌اند که گزارش اول، مرتبط به فتح خراسان است، اما این گفته پذیرفتنی نیست؛ زیرا طبری هر دو گزارش را ذیل فتح طبرستان ذکر کرده است و اگر گزارش اول به فتح خراسان مربوط می‌شد، باید ذیل فتح خراسان می‌آمد. از طرف دیگر، اگر کسی از عراق یا عربستان به سوی شرق ایران حرکت کند، گفته می‌شود به سوی خراسان می‌رود؛ به همین دلیل در گزارش اول، نام خراسان آمده و گفته شده: «آهنگ خراسان کرد» (پرید خراسان)؛ و از آن‌جا که مقصد نهایی، طبرستان بوده، در گزارش دوم نام طبرستان آمده است و گفته شده: «به گرگان و طبرستان آمد» (فأتی جرجان و طبرستان).

البته با بررسی سندی درمی‌یابیم که هر دو گزارش مخدوش است؛ زیرا علی بن مجاهد در منابع اهل سنت تضعیف شده^۳ و حنش بن مالک نیز مجهول

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۶۹.

۲. همان، ص ۲۷۰.

۳. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۳۰؛ و تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۷۰۲؛ جمال‌الدین

یوسف المزنی، تهذیب الکمال، ج ۲۱، ص ۱۱۸-۱۱۹.

است.^۱ بنابراین، این گزارش حتی بر مبنای اهل سنت نیز صحیح نیست.

بلاذری نیز در جریان فتح طبرستان می نویسد:

گفته می شود دو پسر علی بن ابی طالب علیه السلام در این جنگ با وی همراه بودند. به قولی سعید، بی آن که از کسی فرمانی دریافت کند، از کوفه به قصد جنگ طبرستان رفت. و الله اعلم.^۲

چند ایراد بر این روایت، وارد است؛ از جمله:

۱. بلاذری نه تنها سندی برای این گزارش ذکر نکرده، بلکه آن را با تردید بیان کرده است؛ زیرا از فعل مجهول «یُقَال» استفاده کرده است و یکی از کارکردهای فعل مجهول در ادبیات عرب، مشعر به ضعیف بودن مطلب است؛ یعنی خود نویسنده، به گزارش اعتماد ندارد.

۲. در ابتدای این روایت، بلاذری می گوید: «قالوا؛ گفته اند» که فعل ماضی است، آن گاه که به حضور حسین علیه السلام در طبرستان رسیده، می نویسد: «یقال؛ می گویند» که فعل مضارع - حال و آینده - است. یعنی قسمتی از گزارش در منابع قبل از بلاذری آمده و بلاذری گزارش را از آن ها نقل کرده است، ولی قسمت دوم که به حسین علیه السلام مربوط می شود در زمان حیات بلاذری گفته می شده است.

مقدسی نیز به این مطلب اشاره کرده،^۳ اما سندی بر گزارش خود نیاورده است. البته بر فرض صحت، او به صراحت از صلح در این فتح سخن می گوید

۱. علی بن محمد شمشاطی، الأنوار و محاسن الأشعار، ص ۹۸.

۲. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۲۶: «قالوا: ولی عثمان بن عفان رحمه الله سعید بن العاص أمية الكوفة في سنة تسع وعشرين... و... فيما يقال الحسن و الحسين ابنا علی بن ابی طالب علیه السلام، و قيل أيضا أن سعیدا غزا طبرستان بغير كتاب آتاه من أحد و قصد إليها من الكوفة؛ و الله أعلم».

۳. مقدسی، البدء و التاريخ، ج ۵، ص ۱۹۸.

که نشان از عدم درگیری و کشتار است.

ابن فقیه مورخ نیز می‌گوید: «سعید از کوفه درآمد و به جهاد با طبرستان پرداخت. در این جنگ، حسن و حسین، دو فرزند علی علیه السلام با سعید بودند». ^۱ با کمی تأمل در این گزارش نیز به بی‌سند بودن آن پی می‌بریم؛ افزون بر این نویسنده در اینجا تنها به نام امام حسن و امام حسین علیهما السلام اشاره کرده و از دیگر مشاهیری که در گزارش طبری از آن‌ها یاد شده، ذکری به میان نمی‌آورد و این خود می‌تواند دلیل خاصی داشته باشد.

علاوه بر آنچه گذشت، دلایل دیگری نیز بر رد این نظر وجود دارد که به بعضی از آن‌ها اشاره خواهد شد:

شاهد اول: پیش از طبری (۳۱۰ق)، خلیفه بن خیاط (۲۴۰ق) ضمن نقل فتح طبرستان به دست سعید بن عاص، به حضور حسین علیه السلام اشاره‌ای نکرده ^۲ و یعقوبی (۲۹۲ق) نیز در وقایع سال سی‌ام اسمی از فتح طبرستان نیاورده و فقط به مسابقه سعید بن عاص، حاکم کوفه با عثمان بن عامر، حاکم مصر برای فتح خراسان اشاره کرده است. ^۳

شاهد دوم: علی علیه السلام در عصر خلافت خویش نیز از شرکت حسین علیه السلام در برخی میدان‌های جنگ جلوگیری می‌کردند. در برخی جنگ‌های دیگر که حسین علیه السلام حضور داشتند، امام علی علیه السلام مانع رفتن آنها به معرکه جنگ می‌شد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «از رفتن امام حسن و امام حسین علیهما السلام به میدان نبرد دریغ دارم تا مبادا با مرگ آن دو، نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله قطع شود». ^۴ حال آن‌که

۱. ابن فقیه، البلدان، ص ۵۷۰.

۲. خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه، ص ۹۶.

۳. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۹.

۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۴۴؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۹۹.

خود امام علی علیه‌السلام در صحنه جنگ حضور داشتند و فاصله چندانی میان ایشان و فرزندان ایشان نبود.

شاهد سوم: تمام روایات تاریخی که متعرض شرکت حسنین علیهم‌السلام در فتح طبرستان شده‌اند، ناظر به حضور آنان در فتوحات عصر عثمان هستند؛ عصری که علی علیه‌السلام بیشتر فاصله را با دستگاه خلافت داشت. این که در زمان دو خلیفه اول، علی علیه‌السلام بیشتر ملاحظه شرایط و خلفا را داشت؛ اما در زمان خلیفه سوم ملاحظات به حداقل رسیده بود. چگونه ممکن است در چنین شرایطی، امام علی علیه‌السلام اجازه دهند دو فرزندشان در فتوحات عصر خلیفه سوم شرکت کنند.

شاهد چهارم: سعید بن عاص یکی از دشمنان حضرت علی علیه‌السلام بود. وی علت حضور در جنگ جمل به نفع عایشه را، خارج کردن خلافت از دودمان عبدمناف عنوان می‌کند.^۱ بنابراین، سعید بن عاص یکی از دشمنان سرسخت اهل بیت بود و همراهی حسنین علیهم‌السلام تحت فرماندهی وی، آن هم به صورت سرباز بسیار مشکل است؛ همان طور که پیش از این اولیاءالله آملی نیز به این مطلب اشاره کرد.

نتیجه گیری

گزارش‌هایی که در منابع، از حضور حسنین علیهم‌السلام در فتح طبرستان سخن می‌گویند، همگی مخدوشند؛ و علاوه بر این، شواهد متعدد دیگری بر عدم حضور آن حضرات در این فتح وجود دارد.

به نظر می‌رسد به دلایل خاص مذهبی، نام این دو امام در این گزارش جعل شده است؛ چراکه از یک طرف همراهی ائمه علیهم‌السلام با خلفا را به نشان می‌دهند و

۱. ابوعلی ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۱، ص ۴۷۰.

از طرف دیگر تخریب شخصیت ائمه علیهم‌السلام در ایران، از طرف رقبای آنان پی‌ریزی می‌شود.

برخی با استناد به این گزارش‌های مخدوش، برآند تا حضور آنان در این فتوحات را قطعی جلوه دهند؛ حتی این گروه، به بیان عین گزارش‌های مخدوش بسنده نکرده و بر خلاف امانت‌داری در نقل، وانمود می‌کنند که امامان شیعه در کشتار مردم سهیم بوده‌اند؛ در صورتی که چنین برداشتی حتی از این گزارش‌های مخدوش نیز به دست نمی‌آید.